



جان باختن تعدادی از هموطنان عزیزمان بر اثر حادثه ریزش معدن در طبرستان را به عموم مردم ایران بویژه خانواده‌های آن عزیزان تسلیت عرض می‌نماییم.

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



سال چهاردهم
شماره ۱۶۱
مهر ۱۴۰۳

سال چهاردهم | شماره ۱۶۱ | مهر ۱۴۰۳

نشریه داخلی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

حسن صادقی، معاون دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی: من اسم این را متناسب سازی نمی گذارم، این نامتناسب سازی است

سازمان تامین اجتماعی یک مجموعه مین گذاری شده است

علیرضا حیدری: تبعیض در پرداخت ها

صفحه ۵

لایحه ارسالی به مجلس را چکش کاری کنید و اشتباهات فاحش آن را برطرف کنید و یا آن را پس بگیرید

صفحه ۶

چه تفکرات اشتباهی باعث می شه حالمون خراب شه؟ لذت یا شادی؟ کدام بهتر است؟

صفحه ۷

انتقاد از پیشنهاد افزایش سنوات ارفاقی شغل معدن به جای استاندارد سازی محیط کاری

در صفحه ۲ و ۳



قلب ملت در حادثه معدن طبرستان جریحه دار شد

صفحه ۲

منبعی برای تامین منابع مالی محاسبه متناسب سازی بازنشستگان تامین اجتماعی تعریف نشده است

صفحه ۳

طی ادوار گذشته، تصمیماتی که اتخاذ شده، شوربخانه به مثابه انداختن تیری در تاریکی بوده و گز نکرده، پاره کرده‌اند

صفحه ۴

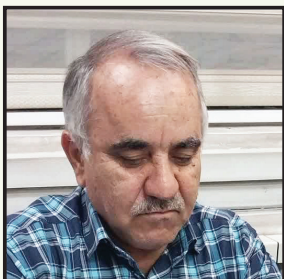
نا کارآمدی سیاست های پارانهای دولت وضعیف ترشدن توان صندوقهای بازنشستگی

سید مجتبی قریشیان

به قلم سردبیر

نگاه اول

قلب ملت در معدن آتش گرفت:



در معدن ذغال سنگ طبرستان ۳۱ شهریور سال جاری و در ساعت ۲۱ اثر نشست گاز متان حادثه هولناکی اتفاق افتاد که خیال نیز از تصور می هراسد و در آن تعداد ۵۰ نفر از معدن جوان عزیز جان خود را از دست دادند. ملت را داغدار خود ساختند، تقریباً در ایام چهلمین روز درگذشت این عزیزان قرار داریم. شنیده شده آنها با حداقل دستمزد و یکمی بیشتر از آن در معدن بکار مشغول بودند، همان هایی که در زیر زمین برای پیدا کردن لقمه نانی با مرگ دست و پنجه نرم می کنند و در روی زمین با قفروگرانی میجنگند، جنگی ناکزیر و نابرابری که فقط روز به روز باعث ضعیفتر شدن آنها و خالی تر شدن سفره ی آنها می شود. ابعاد حادثه از جهات مختلفی باید بررسی شود. بنا به گفته وزیر محترم

تعاون کار و رفاه اجتماعی از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۹۱ حدود ۳۲ نفر در حادثه، از این دست جان باخته اند ولی از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۴۰۳ بیش از ۱۱۴ نفر در اینگونه حوادث جان خود را از دست داده اند، وزیر کار گفت دلایل این است که عملیات معدن ذغال سنگ بتدریج وارد لایه های زیر زمین و عمیق شده، که با گاز متان همراه است. او همچنین اشاره کرده است که معدن ذغال سنگ طبرستان جزء معادن غیر مکانیزه است و دارای سیستم مانیتورینگ نیست، گفته های جناب وزیر محترم کار از چند جهت قابل تامل است. چرا باید طرف سالهای ۱۲۷۶ تا ۹۱ در فاصله زمانی ۱۵ سال تعداد ۳۲ جان باخته و از سال ۹۱ تا ۴۰۳ ظرف ۱۲ سال ۱۱۴ نفر جان باخته در اینگونه حوادث داشته باشیم، این در حالی است که با گذشت زمان علم و تکنولوژی نیز پیشرفت می کند و ما باید علی القاعده از پیشرفت تکنولوژی و علم در خصوص کنترل و مهار اینگونه حوادث بهره می بردیم و آمار ناشی از این گونه حوادث کاهش میابد، بر اساس آمار های ارائه شده ما عکس این را شاهد هستیم، مطلب دیگری که اهمیت دارد این است که برآستی چرا نباید معادن مکانیزه شوند؟ گیر کار و مشکل کجاست؟ آیا این امر به عدم اهمیت دادن ما به بعضی مسائل ساختاری و زیر بنایی بر نمی گردد؟ در ثانی این نشانگر این نیست که ما نگاه مناسب و شایسته ای نسبت به نیروی انسانی نداریم و متوجه اهمیت جان انسانها نیستیم که اگر چنین بود حتما نتیجه چیز دیگری حاصل می شد. شنیده شده که نماینده مردم طبرستان در مجلس بعد از این حادثه طرح حیرت آوری را، مبنی بر افزایش سنوات کاری کارگرانیکه در تونل های زیر زمینی و عمیق ۸۰۰ متری بکار مشغول هستند را مطرح کرده که بر اساس این طرح سنوات کاری این کارگران از ۱/۵ سال به ۲ سال افزایش یابد. نمی دانم که ایشان چرا به حساب نیآورده است که افزایش سنوات برای اینگونه مشاغل بدون اینکه برای عامل خطر ساز و حادثه آفرین شغل چاره جویی شود پاک کردن صورت مسئله، بجای حل آن است. یادمان نرود اگر صورت مسئله را پاک کنیم مشکل پیچیده تر و حادتر و حل آن دشوارتر خواهد شد. افزایش سنوات برای اینجانبان حوادث را شناسایی و برطرف کنیم حتما حکم نونشادار و پس از مرگ سهراب را خواهد داشت. افزایش سنوات برای اینجانبان حوادث را شناسایی و برطرف چه سودی دارد؟ این نماینده محترم ما باید به فکر طرح و لایحه بود که بر اساس آن معادن موءظف به استفاده از تکنولوژی روز شوند و انجام کارهای خطرناک در اعماق زمین به وسیله رباط های انسان نما انجام پذیرد و آنچه در زیر زمین اکتشاف شده با نوانقاله به منتقله بی خطر منتقل شود و سپس نیروی انسانی، باقی مانده کارها را انجام دهد. بازرسی های دقیق در فاصله زمانی مناسب از معادن صورت گیرد و از تجربیات سایر کشورها در چنین موارد استفاده شود و با عناصر خطی و مسئولیت ناپذیر برخورد قانونی شدید صورت گیرد تا انشا... شاهد کاهش و مهار شدن اینگونه حوادث باشیم.

سخن مدیر مسوول حسن صادقی، معاون دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی: نمی توان از کنار زندگی کارگران معدن طبرستان که جان خود را برای خانواده خود دادند به راحتی بگذریم جان انسانها با ارزش است!

حسن صادقی، معاون دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی نمی توان از کنار زندگی کارگران معدن طبرستان که جان خود را برای خانواده خود دادند به راحتی بگذریم، این موضوع حادثه بود و همه این را قبول داریم؛ اما دنیا به سمت کاهش این حوادث با کمک تکنولوژی می رود، در برخی کشورها ربات جای انسان را در اماکن پرخطر معادن گرفته است؛ چون جان انسانها مهم و با ارزش است. وی ادامه داد: باید مکانیزم های بازرسانه داشته باشیم و به دغدغه ها توجه شود، ضروری است کارگران نیز خودشان از حقوق یکدیگر دفاع کنند، اگر ما با صلابت از حقوق خود دفاع کنیم کارفرمایان و مسئولان و... نیز به حقوق ما توجه می کنند.

معاون دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه برای کاهش حوادث استفاده از سیستم های پایش و کنترل در معادن ضروری است، گفت: نمی توان با تعداد اندک بازرسان کار، کارگاهها و واحدها را کنترل کرد، الان حدود هزار بازرسان کار داریم در حالی که تعداد کارگاه های بزرگ و کوچک بسیار زیاد است، بیش از ۵ سال طول می کشد که یک کارگاه بازرسی شود؛ چون تعداد بازرسان کم است. معادن باید بازرسی مداوم داشته باشند و سیستم های مختلف مورد استفاده آنها بررسی شود. وی گفت: امروز ۴۷ درصد حوادث کار در بخش صنعت ساختمان است؛ لذا باید به این صنعت توجه ویژه داشت، کارگران با مشکلات مختلفی روبرو هستند؛ لذا باید تلاش کرد حوادث به حداقل رسد. دو ماه پیش حادثه معدن شانزداد و حالا طبرستان را داشتیم، نباید اجازه داد این موارد دنباله دار شود. ضروری است وزارت کار بودجه ای برای افزایش تعداد بازرسان کار اختصاص دهد زیرا نبود بازرسی باعث مشکلات زیادی شده است. در این خصوص باید نمایندگان مجلس نیز در جذب و به کارگیری بازرسان در حوزه روابط کار مساعدت کنند. صادقی افزود: نیروی کار باید آموزش ببیند در کنار آن سیستم ها به روز باشد و بازرسی ها نیز مستمر ادامه یابد، فاصله بازرسی ها باید کاهش یابد و سازوکارهایی که محیط کار را امن می کند تحت نظارت بیشتری باشند، از طرفی هماهنگی میان بازرسان اداره کار و بازرسان تامین اجتماعی شکل بگیرد، زیرا همگی از بدنه یک وزارتخانه هستند. وی با بیان اینکه جامعه باید بدانند طبقه کارگر حامی و پشتیبان هم هستند، گفت: تامین اجتماعی در شرایط خاصی قرار دارد، در برخی استانها مولفه های نظام بیمه پردازی تفاوت دارد و سهم بیمه پردازان و مستمری بگیران به هم خورده است. در این فضا باید فکری اساسی کرد و دید چه سازوکاری به کار بگیریم که این وضعیت دگرگون شود و نسبت پشتیبانی در تامین اجتماعی بهبود یابد. لازم است اصلاحاتی اجرا شود که تامین اجتماعی ماندگار باشد. رئیس اتحادیه پیشکسوتان کارگری گفت: نباید دارایی های تامین اجتماعی به فروش رسانده شود، زیرا باعث ایجاد مشکل برای سازمان در آینده می شود، برای پرداخت بدهی های سازمان به جای فروختن اموال باید استقراض انجام داد. وی در ادامه در خصوص متناسب سازی نیز گفت: در متناسب سازی هنوز در اول راه هستیم در حالی که نباید این گونه باشد، اصل متناسب سازی سر جای خود است و باید اجرایی شود، طرحی در این زمینه در مجلس در حال بررسی که نیاز به اصلاحات جدی دارد که به دنبال پیگیری موارد برای اصلاح هستیم. نمایندگان کارگری باید برای درمان مستقیم مطالبه گری کنند.

منبعی برای تامین منابع مالی محاسبه متناسب سازی بازنشستگان تامین اجتماعی تعریف نشده است

ریشه مشکل در سازمان تامین اجتماعی نیست

تبعیض در پرداخت ها



تورومی این یکسال شما را به عقب برمی گرداندولی، اگر در مهر ماه مستمری برقرار شود، شما دوسال به عقب برگردانده می شوی یعنی آسیبی که به مستمری شما وارد می شود خیلی بیشتر می شود، بخاطر اینکه اثر تورومی ۲ سال را برای شما محاسبه نمی کنند و عمل نرخ جایگزینی برای حقوق شما به زیر ۲۰٪ می رسد. واقعیت این است که افرادی که در طول سال بازنشست می شوند اثرات تورومهای شدید روی حقوق آنها لحاظ نمی شود و اینها به شدت متضرر می شوند. آنچه که امسال و در برنامه هفتم توسعه

در حالیکه این از محل حق

بیمه هایی است که درمان هم

در آن سهم دارد و باید سهم

درمان به حساب هزینه های

درمان واریز شود

اقتصادی اتفاق افتاد این بود که ابتدا به ساکن متناسب سازی را مجلس برای بخش کشوری و لشکری تصویب کرد و این بحث برای بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی مطرح نبود. با فشاری که بخش مستمری بگیر سازمان تامین اجتماعی به قانونگذار آورد در لحظات آخر این را بعنوان یک الحاقیه به ماده ۲۸ اضافه کردند و مستمری بگیران تامین اجتماعی را هم مشمول متناسب سازی قرار دادند. با همان فرمول ۹۰٪ که ابتدای بحث توضیح داده شد ولی در آنجا غیر حداقل بگیر را ملاک قرار داده و تاکید شده که کسانی مشمول می شوند که حتما غیر حداقل بگیر باشند. و برای اینکار هم دلائل خاص خودشان را داشتند. وقتیکه بودجه ۴۳ از سوی دولت به مجلس داده شد چون در آن بودجه دولت منبعی را برای متناسب سازی حقوق بازنشستگان کشوری و لشکری ندیده بود مجلس لایحه بودجه را به دولت برگرداند، یعنی اینقدر برایش اهمیت داشت که به دولت تکلیف کرد که حتما باید منبع آنرا مشخص کنی. بودجه برگشت و یکسری تغییراتی در رشد مستمریهای بازنشستگان کشوری و کشوری دادند، رشد اولیه ۲۰٪ بود ولی در تغییراتی که بعدا دادند آن را به ۱۸٪ رساندند و منطق بر شاغلین گذاشتند و منبع آن را هم از طریق افزایش ۱٪ بر مالیات بر ارزش افزوده تامین و محاسبه کردند که ۷۰٪ هم تولید منبع مالی می کند که این برای اجرای متناسب سازی بازنشستگان کشوری و کشوری کفایت می کند. این بودجه در مجلس مصوب شد و در آن دولت هیچ بودجه ای برای اجرای متناسب سازی بازنشستگان تامین اجتماعی در نظر نگرفته

بازنشستگی در نظر گرفته شده است، به هیچ وجه مانند این نخواهد شد که بر اساس مشابه دریافتی فرد شاغل در زمان حال محاسبه شود. این در خوشبینانه ترین حالت توروم سال گذشته در آن لحاظ نمی شود. مثلا اگر حقوق سال گذشته شما ۷۰ هزار تومان باشد و حقوق امسال شما ۱۰۰ هزار تومان باشد برای ۸۵ هزار تومان حقوق شما متناسب سازی محاسبه می شود در حالیکه باید برای ۱۰۰ تومان حقوق شما محاسبه شود و چیزی حدود ۱۵٪ تا ۱۸٪ نسبت به حقوق سال جاری عقب هستی. در حالیکه در متناسب سازی برای لشکری و کشوری به این نگاه نمی کنند که با چه مقدار مستمری بازنشست شده ای بلکه به این نگاه می کنند که شاغل هم تراز شما چقدر در یافت می کند متناسب سازی را بر اساس حقوق شاغل شغل هم تراز شما تعیین می شود و این وجه ممیز و جداکننده متناسب سازی برای بازنشستگان لشکری و کشوری و سازمان تامین اجتماعی می باشد.

در مورد بازنشستگان لشکری و کشوری سالانه جدا از افزایش حقوق اتفاقات دیگری هم رقم می خورد که به حقوق آنها کمک می کند نکته دیگر این است که در حقوق و مزایای بخش شاغلین دولتی سالانه جدا از افزایش حقوق سالانه اتفاقات دیگری هم رقم می خورد که این اتفاق برای آنها یک امتیاز بشمار می آید و این باعث می شود که وقتیکه حقوق شغل هم تراز شاغل برای بازنشسته لشکری و کشوری ملاک عمل فرامی گیرد و برای آن متناسب سازی اجرامی شود، اعدادی که به حقوق و مزایای گروه بازنشستگان لشکری و کشوری اضافه می شود بسیار متفاوت و بیشتر از اعدادی است که به حقوق بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی اضافه می شود. به این ترتیب متوجه میشویم که متناسب سازی برای بازنشستگان این ۲ صندوق چقدر نتیجه متفاوتی دارد

شاخص قانونی که برای متناسب سازی بازنشستگان تامین اجتماعی در نظر گرفته شده عادلانه نیست قانون و شاخصی که برای متناسب سازی برای بازنشستگان لشکری و کشوری در نظر گرفته شده، عادلانه نیست میان آنچه که به بازنشستگان آگروه تعلق می گیرد تفاوت معنی داری وجود دارد. یکی از دلائل آن این است که نمی توان در مورد بازنشستگان تامین اجتماعی شاغل هم تراز پیدا کرد، وقتیکه این بحث در مورد بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی مطرح می شود مشاهده می شود که بعضی از شاغلین که بازنشست شده اند شغلشان وجود ندارد. شاید اگر می آمدند آخرین درآمد شاغل را در زمان اشتغال و قبل از بازنشست شدنش را ملاک برای همسان سازی قرار می دادند، بهتر بود و به عدالت نزدیکتر بود، نه اینکه حق بیمه پرداختی را برای ۲ سال آخر شاغل ملاک قرار دهند همانطوریکه قبلا هم اشاره شد این حداقل ۱۸٪ تاثیر منفی می گذارد. به دلیل اینکه وقتیکه درخواست مستمری در اسفند ماه اتفاق بیفتد، یکسال به عقب برگردی به لحاظ تاثیر

علیرضا حیدری، کارشناس خبره مسایل کارگری و بازنشستگی و نایب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در یک گفتگوی دوستانه با سید مجتبی قریبشان سردبیر نشریه راجع به اوضاع صندوق تامین اجتماعی و موضوع متناسب سازی توضیحات جامع و کاملی را، ارائه کرد.

تاکید برنامه ششم توسعه بر متناسب سازی حقوق بازنشستگان

در برنامه ششم توسعه تاکید شده بود که سازمانهای بیمه گر از جمله سازمان تامین اجتماعی بر اساس بند (د) ماده ۱۲ نسبت به متناسب سازی حقوق بازنشستگان در طول برنامه اقدام نمایند در سال ۱۳۹۹ برای اولین بار این اتفاق افتاد و از محل بند، او، و تبصره ۲ بودجه منابع تامین شد و از مرداد ماه سال ۱۹۹۹ اجرا شد. در آن سال سازمان تامین اجتماعی از منابعی تامین اعتبار کرد که باید از آن محل برابر حکم قانون بودجه آن سال ۳۰٪ آن را به بحث متناسب سازی اختصاص می داند یعنی ۹۶۰۰ میلیارد تومان که در آن سال بتواند این قانون را اجرا نماید. فارغ از اینکه منابع چگونگی پیش بینی شده بود اما این منابع برای این امر در آن سال کفایت نکرد ولی متناسب سازی در سال ۱۹۹۹ اجرا شد و در سال ۱۴۰۰ بازنگیری شد و از محل تبصره متناسب سازی مجدداً تداوم پیدا کرد، در سال ۱۴۰۰ معادل ۷۵٪ آنچه را که فرد مشمول متناسب سازی باید دریافت می کرد، را دریافت کرد و ۲۵٪ آن باقی ماند. مطابق فرمولی که متناسب سازی بر اساس آن اجرا شد مقرر گردیده که مثلا اگر فردی با سه برابر حقوق حداقل دستمزد بازنشست شده است و الان مشمول متناسب سازی گردیده، در زمان اجرای متناسب سازی نیز باید ۹۰٪ سه برابر حداقل دستمزد را دریافت نماید.

باقی ماده متناسب سازی بر اساس توافق بود که کانون عالی بازنشستگان با سازمان تامین اجتماعی صورت داد ۲۵٪ متناسب سازی که باقی مانده بود بر اساس توافقی بود که کانون عالی بازنشستگان با سازمان تامین اجتماعی انجام داده بود. در سال ۴۰۱ اتفاق خاصی در این مورد نیفتاد، ۲۵٪ باقی مانده را در ۴۰۲ تعریف کردند، بدون اینکه اثر افزایش دستمزد ۴۰۱ را و همچنین بدون پرداخت مطالبات قبلی این افزایش را در ۲۵٪ باقی مانده متناسب سازی لحاظ کردند. نکته ای که در اینجا وجود دارد این است که در محاسبه متناسب سازی برای بخش های لشکری و کشوری و صندوق فولاد متناسب سازی بر اساس دریافتی حقوق و مزایای امروز مشاغل هم تراز اتفاق می افتد و ربطی به حقوق آنها در زمانیکه بازنشست شدن ندارند. توجه به اینکه مستمری زمان بازنشست شده افراد، در صندوقها بر اساس میانگین پرداختی ۲ سال آخر آنها می باشد شما موقعیکه این میانگین را در نظر بگیرید، آنچه که در سال گذشته به حقوق شما اضافه شده اثر تورومی سال جاری را، دروی مستمری سال گذشته نمی بینی. چون شاخص را بر اساس مستمری زمان

کنند این موضوع در ارتباط با سایر گروهها نیز باید صدق کند

ریشه مشکل

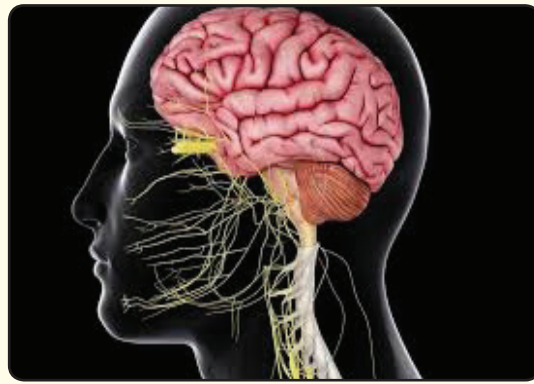
در سازمان تامین اجتماعی نیست

به نظر من ریشه مشکل در سازمان تامین اجتماعی نیست برای اینکه سازمان تامین اجتماعی مناقش از محل مصوبات شورایی کار تامین می شود، یعنی با تعیین میزان حداقل دستمزد. چون حق بیمه بر اساس این دستمزد تعیین شده پرداخت می شود اگر حق دستمزد تعیین شده کفاف زندگی شاغلین را بدهد حق بیمه هایی که از این طریق توسط سازمان تامین اجتماعی وصول می شود می تواند منابع مالی جدیدی را برای سازمان تامین اجتماعی خلق کند و سازمان می تواند هم در حوزه درمان هم در حوزه مستمریها خدمات بهتری را به بیمه شده ها و بازنشستگان ارائه دهد، واقعیت امر این است که درست است که متناسب سازی می تواند بخشی از مشکل را برای مستمری بگیران حل کند اما در درجه اول سازمان تامین اجتماعی را دچار مشکل خواهد کرد به دلیل اینکه تا اینجا کار منابع مالی لازم برای آن وجود ندارد و کسی پرداخت آن منابع را تعهد نکرده است. نکته دوم اینکه پایداری این منابع خودش محل سوال است. ولی حق بیمه هایی که سازمان دریافت می کند چه بخشی که دولت تعهد کرده و در زنده او می باشد و چه حق بیمه هایی که از کارگاهها وصول می شود، بعنوان یک منبع کاملا پایدار و قابل اتکایی است. که سازمان تامین اجتماعی می تواند بر اساس آن هزینه هایی را برای بیمه شده ها و مستمری بگیران، انجام دهد بطوریکه بتواند رضایت مندی آنها را جلب کند. قانونگذار مشخص کرده که سازمان تامین اجتماعی موظف است که متناسب سازی از اول امسال اجرایی کند و احکام را صادر کند. به نظر من باید احکام صادر می شود.

باید تمام کسانی که در پرداخت غیر قانونی تحت عنوان علی الحساب متناسب سازی برای همه گروهها نقش داشتند پاسخگو باشند.

گرچه مبلغی که در ایام دور، دوم انتخابات ریاست جمهوری تحت عنوان علی الحساب متناسب سازی پرداخت شد، ولی هیچ منبای قانونی نداشت و در بین مخاطبین خودش توقع ایجاد کرد. به اعتقاد من باید تمام فرآیند هایی که در این کار کاملاً غیر قانونی دست اندر کار بوده اند حتماً باید پاسخگو باشند. امیدوارم که بر اساس قولهایی که داده شده در آیند افرادی که مشمول این امر می شوند بتوانند از آن بهره مند شوند. در مورد حداقل طبقه بندی می شوند. گروههایی هستند که سابقه پرداخت بیمه کامل را ندارند و تعدادی از مستمری بگیران هم به دلیل اینکه حداقل دستمزد را بیمه پرداخت کرده اند طبیعتاً از حداقل مستمری هم برخوردار هستند، اینها گروه بزرگی هستند که اگر بخواهیم در مورد آنها منصفانه قضاوت کنیم، باید بگویم کسانی که ۳۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه دارند، باید مستمری که به آنها پرداخت میشود برای اداره یک زندگی متوسط و معمولی کفایت

روش هایی برای پاکسازی مغز



۴- مدیتیشن: بسیاری از افراد به اشتباه تصور می کنند که مدیتیشن برای ریلکسیشن است. اما تحقیقات نشان داده است که مدیتیشن می تواند تاثیر مفیدی بر ذهن و بدن داشته باشد. طیف عظیمی از مزایای مدیتیشن شامل موارد زیر می باشد:

الف) کاهش استرس

ب) بهبود بخشیدن حافظه

ج) خواب بهتر

د) توجه بیشتر و بهتر

یک مطالعه نشان داد که در طول مدیتیشن مغز فرایند پردازش اطلاعات را بهتر انجام می دهد و مدیتیشن یکی از بهترین شیوه های کاهش استرس و افزایش تمرکز می باشد.

۵- مدیریت استرس:

استرس می تواند ویران کننده و انتقام گیرنده ذهن و بدن شما باشد. و می تواند مانع و سرکوب کننده حافظه شما باشد. همچنین استرس می تواند سیستم ایمنی بدن شما را ضعیف کند و از این طریق برای شما مشکل ایجاد کند و باعث شود که شما خواب عمیق و مناسبی نداشته باشید. شما می توانید برای کاهش سطح استرس کارهایی را انجام دهید و سطح استرس را مدیریت کنید منبع یا منابع استرس را شناسایی کنید و فکر کنید که چه کارهایی می توانید در جهت کاهش استرس انجام دهید و با الگوی تسکین استرس سعی در کنترل و کاهش استرس داشته باشید. برای مقابله با استرس حداقل کاری که می توانید بکنید، انجام تعدادی از تکنیک های کاهش سریع استرس مانند تمرینات تنفسی و مدیتیشن می باشد که این تمرینات کمک می کنند به نگهداری از مغز و کارکرد عالی آن.

گزارش از سیدمجتبی قریشیان

بهار فصل نو شدن و بیداری و شگفتن است، مردم از این فصل اغلب استفاده می کنند، به عنوان دلیلی برای تمیز کردن خانه هایشان، جابجاشدن و ایجاد یا ساختن چیزهایی برای احساس تازگی و نو شدن، سازماندهی مجدد همه چمدان ها، کابینت ها و کمد ها، می تواند به شما کمک کند در احساس تجدید انرژی، اما انجام یک خانه تکانی در خودتان و مغز می تواند واقعا کمک کند به شما برای احساسی مانند شروع فصل جدید با یک فکر تازه، اگر شما دقیق شوید در مورد تمیز کردن در بهار. چرا شروع نمی کنید به انجام کمی تمیز کردن ذهن خودتان. روشهای تمیز کردن و خانه تکانی مغز عبارتند از:

۱- خوب خوابیدن در شب:

یک خواب خوب در شب می تواند قطعاً اجازه بدهد به شما برای تجدید قوا، آمابی نظمی در خواب، واقعا نکوهش شده برای سلامتی مغز شما، تحقیقات نشان داده است که خواب خوب برای بهبود حافظه مفید است. در یک مطالعه اثبات شده است که خوابیدن بعد از اینکه شما چیزی یاد گرفتید نتایج جدیدی دارد و در واقع حافظه را تقویت می کند و کارکرد مغز بهتر می شود.

۲- بیرون رفتن و ورزش کردن:

بدیهی است که ورزش تاثیر وسیعی بر سلامتی بدن دارد و در این خصوص مزیت های فراوانی با خود دارد. تحقیقات نشان می دهد که آمادگی جسمانی برای جریان مغزی شما و سلامتی آینده، حیاتی و ضروری است. همچنین تحقیقات نشان داده است که آمادگی جسمانی در سن جوانی باعث می شود تا میانسالی بهتر و با نشاط تری را تجربه کنیم، افراد میانسالی که در دوران جوانی تحرک کمتری داشته اند کاهش وسیعی را در حجم مغز در سنین بالاتر تجربه کرده اند. ورزش همچنین می تواند باعث تشکیل سلولهای مغزی جدید و پیوند آنها شود. در آزمایشات انجام گرفته روی

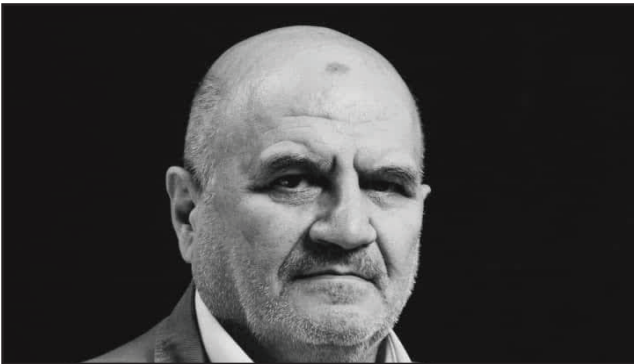
موشهایی که ورزش می کردند، نشان داد که نه تنها سلولهای مغزی آنها رشد می کرد بلکه آنها زرنگتر از موشهایی بودند که ورزش نکرده بودند. مطالعات دیگری نیز نشان داده که ورزش می تواند افراد را زرنگتر کند. کسانی که ورزش می کنند از حافظه بهتری برخوردار هستند و هوش بهتری دارند.

۳- تغذیه سالم:

یک رژیم غذایی سالم می تواند به سلامتی ذهن کمک شایانی بکند. کمبودهای تغذیه ای خاص می تواند منجر به پریشانی ذهن و مشکلات حافظه شود، همچنین وجود ویتامین B12 و اسیدهای چرب برای بدن ضروری است زیرا آنها کمک بسیار مهمی به عملکرد صحیح مغز می کنند بعلاوه آنها کمک می کنند به مغز در اکسیژن گیری، ماهی و آجیل و دانه ها، منابع خوبی از اسیدهای چرب هستند.

پرسش و پاسخ کارگزاران ۲

سلام دوستان عزیز کارگر و همراه



حقوق، حق بن، حق مسکن، حق اولاد و مزایای عرفی کارگاه و سایر شود

حسین حبیبی

عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار سراسر کشور

موضوع ماده ۱۵۷ حق دارد شکایت نموده و باتوجه به اینکه به استناد تبصره ۲ ماده ۷ قرارداد کار مدت نداشته، خواستار بازگشت بکار بصورت دائم و پرداخت کلیه مطالبات معوقه از جمله مابه التفاوت

سوال ۴- کارگری در شرکتی شاغل شده و تعهد محضری داده که تا پنج سال با هیچ شرکتی که فعالیت مشابه دارد حتی در صورت قطع رابطه با آن کار نکند. آیا تعهد فوق قانونی می باشد

جواب: وفق ماده ۸ قانون کار شروط مذکور در قرارداد کار یا تغییرات بعدی آن در صورتی نافذ خواهد بود که برای کارگر مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در این قانون منظور ننماید.

بنابراین تعهد فوق چون کارگر را از حداقل قانونی محروم می کند و همچنین

او را از حاکمیت اراده و اختیار در عقد قرارداد محروم می کند، تعهد فوق اگر محضری هم باشد قانونی نمی باشد.

و وفق ماده ۹ قانون کار برای صحت قرارداد کار در زمان بستن قرارداد در صورت عدم رعایت بندج - عدم ممنوعیت قانونی و شرعی طرفین در تصرف اموال یا انجام کار مورد نظر.

رعایت نشده قانونی نمی باشد.

سوال ۵- کارگری با ۸ سال سابقه کار در یک جایگاه سوخت پس از فوت

طی ادوار گذشته، تصمیماتی که اتخاذ شده، شوربختانه به مثابه انداختن تیری در تاریکی بوده و گز نکرده، پاره کرده اند

مبتنی بر کد ملی، کد پستی و کد شغلی (اشتغال یا عدم اشتغال، کسب و کار، فعالیت اقتصادی، درآمدهای غیرمزدی و توان مالی) همه افراد و خانواده های ایرانی را به صورت تمام شمار و ثبتی مبنا تهیه کند و با غربالگری اجتماعی، فراخوان و بررسی میدانی و عملیاتی اقبال ضعیف جامعه و مبتلایان و افراد در معرض فقر و آسیب اجتماعی را شناسایی و سپس با ملاحظه وضعیت آنان و تمهید و تدارک بسته های حمایتی، صیانتی، ترمیمی و جبرانی متناسب با نیازسنجی واقعی و ارزیابی وسع (تعیین میزان استطاعت و استحقاق)، نسبت به انجام جراحی های اقتصادی و اداری مورد نیاز کشور مبادرت کند. شوربختانه طی ادوار گذشته همواره تیر در تاریکی انداخته و گز نکرده، پاره کرده اند و از این رهگذر لطامت سنگینی به کیفیت زندگی مردم در حوزه معیشت، درآمد و توان مالی و قدرت خرید آنان وارد شده است.

چند بیماری زمینه ای نظیر چربی، قند و فشار خون، اساساً امکان بهبودی و انجام جراحی وجود ندارد. باید مراقب باشیم که برای برداشتن یک توده مخرب به ارگان های حیاتی او لطمه نزنیم. متأسفانه تجربه ادوار گذشته، به ویژه یک دهه اخیر، حاکی از آن است که جراحی های اقتصادی که توسط دولت های قبل انجام شده، بدون توجه به این مقدمات پیش گفته صورت پذیرفته و متولیان امر ابتدا بنزینی شعله ور به دامن مردم انداخته و معیشت و ممر درآمد و توان مالی و قدرت خرید آنان را دچار خدشه و خلل جدی کرده اند، سپس در مواجهه با اعتراض و موج گرانی و... به صورت غیرهادفمند و غیرهوشمند نسبت به پول پاشی (در قالب یارانه یا کالابریک) اقدام کرده اند. بنظر می رسد با توجه به تاکیدات رئیس جمهور محترم و دولت چهاردهم بر عدالت و انصاف و توجه به اقبال ضعیف جامعه، دولت محترم باید قبل از هرگونه تصمیم سازی، تصمیم گیری و اقدامی، نسبت به تهیه پرونده الکترونیک رفاه و تامین اجتماعی یا شناسنامه اقتصادی و اجتماعی خانوار



ناترازی های مبتلا به کشور وجود دارد یا اینکه یکسری اطلاعات سوگیرانه، دستگاه محور و بخشی نگر و مبتنی بر تخمین و برآورد و روندگیری سالانه از مراجع مختلف در دسترس است؟ گام سوم و مهم در طبابت این است که مراقب تعارضات و تداخلات دارویی و نیز عوارض جانبی درمان تجویزی باشیم و بستنیم که آیا شرایط جسمی و روحی بیمار، توان تحمل و کشش این روش درمانی را دارد یا اینکه به خاطر ابتلا به

داشتن این مقدمات و پیش نیازها، دست به تیغ جراحی نمی برد. این آزمایشات باید دقیق و صحیح و در مراجع معتبر و فاقد تعارض منافع تهیه شده باشد و براساس تخمین و برآورد و سرشماری یا ادعای افراد نمی شود در مورد بیمار تصمیم گیری کرد. این در حالی است که باید دید آیا چنین اطلاعاتی در کشور برای تصمیم سازی و تصمیم گیری وجود دارد؟ به عبارت دیگر، آیا اطلاعات و آمار ثبتی مبنا و مبتنی بر شواهد در خصوص

حاذق به نحو حکیمانه و منطقی و علمی به معالجه این تن رنجور پردازند. حال باید دید الزامات اصلاحات اقتصادی چیست؟ اولین گام در طبابت، جلب رضایت بیمار است. باید توجه داشت که این جلب رضایت باید با گفتن ساز و تشویق دقیق و همه جانبه موضوع و فواید و عوارض جانبی عمل جراحی و پیامدهای آن برای عموم مردم صورت پذیرد و نیازهای واقعی مردم مدنظر قرار گیرد، نه منافع عده ای خاص و نیاید منافع و رانت های عده ای خاص جایگزین مصالح و منافع عامه مردم شود؛ مثل قصه اعطای یارانه های عظیم ادوار گذشته و بخش اعظم آن به رانت تبدیل شد و به ذی نفع نهایی یعنی مردم و مصرف کننده ایرانی نرسید.

گام بعدی در طبابت و جراحی، گرفتن شرح حال بیمار و اخذ اطلاعات و آمار حیاتی و انجام آزمایش های تشخیصی لازم است و هیچ طبیعی بدون در اختیار

دکتر علی حیدری/کارشناس رفاه و تامین اجتماعی امروز بیش از هر زمان دیگری از مواجهه دولت با ناترازی ها سخن به میان می آید و متعاقب آن عده ای بر ضرورت انجام جراحی اقتصادی تاکید می کنند و عده ای دیگر آن را پوست خربزه ای زیر پای دولت جدید قلمداد می کنند. رئیس جمهور محترم، استاد و پزشک حاذق است که با حکمت نهج البلاغه نیز آشناس و اخیراً در مشهد اعلام کرد که «ما مریض را بدون اخذ رضایت عمل نمی کنیم و اگر بخواهیم جراحی اقتصادی انجام دهیم، با رضایت مردم خواهد بود.» پرواضح است که کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند مداخلات توسعه ای و اصلاحات اقتصادی است و هر روز که می گذرد، بر ابعاد ناترازی ها و اثرات متقاطع و مضاعف آنها بر یکدیگر و تاثیر مخرب آن بر کشور و مردم افزوده می شود و باید چاره ای اندیشید. کشور نیازمند طبابت است و تجربه های تلخ جراحی های اقتصادی گذشته ایجاب می کند که طبیبان

حسن صادقی، معاون دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی:

من اسم این را متناسب سازی نمی گذارم، این نامتناسب سازی است

سازمان تامین اجتماعی یک مجموعه مین گذاری شده است



علی الحساب متناسب سازی ماهی یک میلیون تومان و بابت ۳ ماه ۳ میلیون تومان به حساب همه بازنشستگان تامین اجتماعی واریز کردند و تخلف فاحش و آشکاری در اینجا صورت گرفت و یک بن بستی را ایجاد کرد زیرا بر اساس قانون متناسب سازی فقط مشمول سایر سطوح میشود. اینها با ارسال این لایحه گفتند که حداقل بگیر و زیرحداقل بگیر نیز مشمول شوند و در این رابطه به اصل ۱۳۷ قانون اساسی استناد کردند که بلافاصله با واکنش رئیس مجلس و اداره تطبیق قوانین مجلس روبرو شد و دستگاههای نظارتی هم ورود کردند علتش هم این بود که آنها اعتقاد داشتند اقدامی که شما دارید انجام می دهید دقیقاً مشابه اقدامی است که احمدی نژاد از جیب سازمان تامین اجتماعی در شب انتخابات مبلغ ۸۰ هزار تومان به حساب بازنشستگان واریز کرد و مهندسی آرا صورت گرفت و رای جمع کرد

پارامتری جهت متناسب سازی برای

سازمان تامین اجتماعی نیاز به تعیین منبع مالی و تصویب مجلس دارد

نکته مهم این است که بار مالی سایر صندوق ها توسط دولت تامین می شود. اما در ارتباط با سازمان تامین اجتماعی این بار مالی نیاز به تصویب بودجه دارد و بار مالی آن باید تامین شود و منبع آن کاملاً مشخص گردد. معلوم نیست بار مالی لایحه ای که دولت به مجلس ارائه کرده از کجا باید تامین شود. بار مالی جهت همسان سازی حقوق بازنشستگان لشکری و کشوری که ۵۰ هزار میلیارد تومان است از محل ۱٪ افزایش مالیات بر ارزش افزوده تامین می شود ولی مشخص نکردند که باری مالی جهت اجرای متناسب سازی برای بازنشستگان تامین اجتماعی از کجا تامین شود

اجرای متناسب سازی از محل پرداخت ۱۳۰ میلیارد رد دیون دولت به سازمان تامین اجتماعی یک کار غیر قانونی و بی ربطی بشمار می رود که سازمان را در آینده حتماً با مشکل مواجه می کند.

بیان می کنند که شما از آن ۱۳۰ هزار میلیارد تومانی که در قالب رد دیون دولت به تامین اجتماعی پرداخت می شود آن را تامین کنید و لایحه پرداخت این مبلغ که از دیون دولت به سازمان تامین اجتماعی می باشد ربطی به این موضوع متناسب سازی ندارد. نهاد ریاست جمهوری بویژه سازمان برنامه و بودجه و وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و کسانیکه در ارکان سازمان تامین اجتماعی در آن مقطع حضور داشتند، در حوزه اقتصاد بسیار بد و نامناسب عمل کردند

سازمان تامین اجتماعی

یک مجموعه مین گذاری شده

من فکر می کنم ما باید مجموعه سازمان تامین اجتماعی را یک مجموعه مین گذاری شده تلقی کنیم که آنرا بعنوان یک سرزمین سوخته و تله گذاری شده به دولت بعد تحویل دادند. ما بعداً متوجه میشویم که چه اتفاقی افتاده است و سازمان تامین اجتماعی چه ضرباتی را متحمل شده است. به گونه ای که حتی منابع پرداخت حقوق را هم نمی توانند تامین کنند. اینکه ما محکم قوی در این راستا صحبت می کنیم که بار مالی این لایحه آفوریتی باید کاملاً مشخص شود و باید رقمش معلوم شود برای این است که این یک ضرورت اجتناب ناپذیر است

ادامه در صفحه ۵

ارائه دهد و آن هم متناسب سازی با همان شیوه قبلی ولی با این نگرش که بجای مقدار کمتر اضافه کردند. در استمرار این نگاه ۱۰۰٪ متناسب سازی ۹۰٪ آنرا پرداخت کند نامتناسب سازی

من اسم این را متناسب سازی نمی گذارم این نامتناسب سازی است. در اجرا متوجه شدند که حداقل بگیران و زیرحداقل بگیران مشمول متناسب سازی نمی شوند و حدود ۹۰۰ هزار تا یک میلیون نفر مشمول متناسب سازی میشوند. که همزمان با اجرای این موضوع بحث شهادت رئیس جمهور پیش آمد و بعد هم انتخابات و فضای انتخاباتی و سهم خواهی و پارکشی که اتفاق افتاد.

حکمتی کاملاً غیر قانونی برای مهندسی انتخابات

دولت مستقر برای اینکه مجموعه خودش را حفظ کند و فردمورد و ثوقش رای بیورد تئوری امتیازدهی را دنبال کرد یعنی سه میلیون تومان تحت عنوان علی الحساب همسان سازی به حساب بازنشستگان لشکری و کشوری واریز کرد و در مورد بازنشستگان تامین اجتماعی هم در دور دوم انتخابات برای اینکه جلیلی رای بیورد به حساب تمام بازنشستگان تامین اجتماعی نفری سه میلیون تومان واریز کردند تا رای چهار میلیون شش صد هزار بازنشسته تامین اجتماعی به سمت جلیلی سوق دهند تا جلیلی کماکان حضور داشته باشد. این حرکت کاملاً غیر قانونی که به منظور مهندسی در انتخابات صورت گرفت باعث شد که ۱۲ هزار میلیارد تومان در غالب علی الحساب همسان سازی پول پاشی کنند.

ارسال لایحه با قید دوفوریت برای رهایی ازین بست تخلف فاحشی که در دولت قبل انجام شد.

و قتیکه جلیلی رای بیورد ورق برگشت و بازرسی کل کشور دخالت کرد و اینها به دست و پا افتادند، برای همین هم آمدند در اوپسین روزهای دولت سیزدهم یک لایحه با قید دوفوریت به مجلس داد، تحت عنوان اصلاح جزء ۲ بند (ر) ماده ۲۸ و تبصره ۴ ماده ۲۹ قانون برنامه هفتم توسعه و این در دستور کار مجلس قرار گرفت. اولاً ارسال این لایحه برای رفع اثر تخلف فاحشی است که به اشتباه یا عمدی در دولت قبل انجام شد. بدین معنی که تیم انتخاباتی دولت قبل در شب انتخابات یک شگرد انتخاباتی برای مهندسی انتخابات بکاربرد که یک رویکرد غیر اصولی و غیر اخلاقی و غیر بیمه ای بشمار می رود. مغایر با اصول بیمه ای و مغایر با بند های ۳ و ۴ سیاست های کلی تامین اجتماعی است که دستور دادند شب انتخابات بابت

حقوقها ۶٪ اضافه اضافه شده است یعنی عملاً حقوقها را ۴٪/۴ از توروم اعلام شده کمتر اضافه کردند. در استمرار این نگاه دگماتیسم و عمق دادن به فقر محدودیت هایی در مسیر افزایش حقوق پیدا شد که خودش یک کپ بزرگی را بین در آمد ها و هزینه های زندگی ایجاد کرد. این اثرات را تا دولت بعدی که سر کار آمد گذاشت، دولت بعدی و قتیکه آن شکاف را مشاهده کرد برای اینکه این عقب افتادگی را جبران کند در برنامه ششم موضوعی را تحت عنوان متناسب سازی دید. و بر این اساس مقرر شد که موضوع متناسب سازی حقوقها برای بازنشستگان لشکری و کشوری و سازمان تامین اجتماعی اجراء شود. در اوایل دولت دوازدهم بود که دکتر سالاری بعنوان مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی به موضوع متناسب سازی ورود کرد و آنرا به مرحله اجرا رساند و علی رغم نواقصی که داشت گام مؤثری برای عملیاتی شدن متناسب سازی برداشته شد. در آن مقطع بازنشستگان دهه های گذشته ۷۵٪ مبلغ متناسب سازی که به آنها تعلق گرفته بود را دریافت کردند. ۲۵٪ آن باقی ماند، برای دهه ۹۰ تحت عنوان متناسب سازی به اضافه تفاوت تطبیق این را به روز کردند تا شاهد عقب افتادگی نباشیم و این عملیاتی شد ۲۵٪ از هم بنا بود، در سال ۴۰۱ پرداخت کنند که مدیر عامل فعلی سازمان تامین اجتماعی این کار را، انجام داد و بصورت ناقص در سال ۴۰۲ عملیاتی شد. اما نکته ای که در حاله ای از ابهام باقی ماند این است که در انتهای ماده مربوط به متناسب سازی آورده بودند که باید هر سال ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی اعمال شود که ما دچار یک گپ درآمد و هزینه نشویم

و حقوقها بصورت واقعی و بر اساس توروم افزایش پیدا کند و همچنین ماده ۱۱ قانون تامین اجتماعی که متاثر از ماده ۴۱ قانون کار می باشد نیز اجراء شود. اما سیاست های مهار مزدی در دولت سیزدهم عملاً دستمزد را چارمخ، و سگ توروم را رها کرد و این باعث شد که عملاً هر آنچه را که در دولت دوازدهم رسته شده بود همه پنبه شود. مجلس به این فکر افتاد که این گپ را چگونه پر کند ولی دولت برای رفع این تبعیض و پرکردن این چاله هیچگونه رغبتی نداشت.

ورود مجلس به متناسب سازی حقوق بازنشستگان

این مجلس بود که ورود کرد و چیزی بنام متناسب سازی را برای بازنشستگان کشوری و لشکری اعمال کرد به بازنشستگان تامین اجتماعی که رسید ناگزیر شد که فرمولی را است در سال ۱۳۸۷ که توروم ۴/۱٪ بود به دولت جو، زده و دچار توهم احمدی نژاد به پشتوانه این ذخیره ارزی تورویهایی را اجراء کرد که این تورویها در حوزه بارانه ها و بالا بردن نرخ درآمد سرانه و بالا بردن GDP و افزایش سطح زندگی و حتی برضرب جینی در کوتاه مدت اثر مثبت داشت اما در بلند مدت برعکس عمل کرد و تبدیل به یک دامی شد. برای فقیر تر کردن طبقه کارگر و آثارشوم آنرا ما در شکاف بین درآمدها و هزینه های زندگی مردم در دهه ۹۰ مشاهده کردیم. یعنی انتظار داشتیم که در مقطع شکوفایی درآمد، ارزی کشور که در ۲ دوره دولت احمدی نژاد ۷۰۰ الی ۸۰۰ میلیارد دلار را شاهد بودیم منجر به شکوفاشدن و بارور شدن اقتصاد کشور و غنی قوی شدن صندوقهای بازنشستگی شود و باعث افزایش طول عمر صندوقها شود و اثرات مثبت آنرا در تامین هزینه های زندگی طبقه مربوط به این صندوقها را شاهد باشیم اما در عمل ما عکس این را شاهد بودیم.

نا کار آمدی سیاست های بارانه ای دولت و وضعیت تر شدن توان صندوقهای بازنشستگی

در بلند مدت هم طریب جینی تغییر کرد و هم درآمد سرانه، کاهش پیدا کرد و منجر به کوچک شدن سفرهای مردم شد. همه اینها مبین نا کار آمدی سیاست های بارانه پردازی بود که دولت احمدی نژاد انجام داد و سیاست بسیار غلطی که حاصل آن فقیر تر شدن مردم بود و نتوانست این درآمد سرشار ارزی صندوقهای بازنشستگی را تقویت کند و موجبات بهبود زندگی مردم را فراهم کند و سطح زندگی اقشار متصل به این صندوقها را ارتقاء دهد و بیل اخص در حوزه تامین اجتماعی

عدم تعمد دولتها در مقابل پرداخت بدهی خود به سازمان تامین اجتماعی

در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد به چه سرنوشتی دچار شده و هیچ کس هم در این ارتباط پاسخگو نبوده است. توجه بفرمایید، این آمار بسیار شوک آور و حزن انگیزه است، و به این دلیل به این آمار اشاره کردم تا که بدانید در آن ۸ سال کذایی ریاست جمهوری احمدی نژاد چه بر سر این مرز و بوم آمد. ما به وضوح آثار جویزدگی و تصمیمات غلط احمدی نژاد، در همه ردهها و در بلند مدت مشاهده کردیم. دلیل عمده آن هم این بود که احمدی نژاد در واقع یک اسب فریه، ووزین کرده و آماده اقتصادی را تحویل گرفته بود، این اسب زین شده اقتصادی در صندوق ذخیره ارزی دهها میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت.

دولت توهم زده!!

دولت جو، زده و دچار توهم احمدی نژاد به پشتوانه این ذخیره ارزی تورویهایی را اجراء کرد که این تورویها در حوزه بارانه ها و بالا بردن نرخ درآمد سرانه و بالا بردن GDP و افزایش سطح زندگی و حتی برضرب جینی در کوتاه مدت اثر مثبت داشت اما در بلند مدت برعکس عمل کرد و تبدیل به یک دامی شد. برای فقیر تر کردن طبقه کارگر و آثارشوم آنرا ما در شکاف بین درآمدها و هزینه های زندگی مردم در دهه ۹۰ مشاهده کردیم. یعنی انتظار داشتیم که در مقطع شکوفایی درآمد، ارزی کشور که در ۲ دوره دولت احمدی نژاد ۷۰۰ الی ۸۰۰ میلیارد دلار را شاهد بودیم منجر به شکوفاشدن و بارور شدن اقتصاد کشور و غنی قوی شدن صندوقهای بازنشستگی شود و باعث افزایش طول عمر صندوقها شود و اثرات مثبت آنرا در تامین هزینه های زندگی طبقه مربوط به این صندوقها را شاهد باشیم اما در عمل ما عکس این را شاهد بودیم.

نا کار آمدی سیاست های بارانه ای دولت و وضعیت تر شدن توان صندوقهای بازنشستگی

در بلند مدت هم طریب جینی تغییر کرد و هم درآمد سرانه، کاهش پیدا کرد و منجر به کوچک شدن سفرهای مردم شد. همه اینها مبین نا کار آمدی سیاست های بارانه پردازی بود که دولت احمدی نژاد انجام داد و سیاست بسیار غلطی که حاصل آن فقیر تر شدن مردم بود و نتوانست این درآمد سرشار ارزی صندوقهای بازنشستگی را تقویت کند و موجبات بهبود زندگی مردم را فراهم کند و سطح زندگی اقشار متصل به این صندوقها را ارتقاء دهد و بیل اخص در حوزه تامین اجتماعی

عدم تعمد دولتها در مقابل پرداخت بدهی خود به سازمان تامین اجتماعی

علی رغم در آمد سر شار ناشی از فروش نفت در دو، دوره دولت احمدی نژاد شاهد انباشت بدهی های این دولت به سازمان تامین اجتماعی بودیم گرچه تقریباً همه دولتها اعتقادی به پرداخت بدهی خود به سازمان تامین اجتماعی نداشتند ولی در دولت احمدی نژاد این بدهی بدون هیچ دلیل منطقی و به طرز معنی داری افزایش پیدا کرد و علی رغم درآمد سرشار، کشور در ۲ دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد صندوقهای بازنشستگی فقیر تر شدند، و این صندوقها دچار فقر و تهیدستی شدند که اثرات آنرا در زندگی طبقات تحت پوشش این صندوقها دیدیم. حقوق آنها را مبتی بر توروم اضافه نشده است در سال ۱۳۸۷ که توروم ۴/۱٪ بود به

در یک محیط، صمیمی حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با سید مجتبی قریشیان سردبیر نشریه پیرامون مسائل مختلف و مرتبط با مشکلات بازنشستگان به گفتگو نشست

آقای صادقی راجع به مهمترین مساله امروز بازنشستگان این قشر شریف جامعه گفت نام این طرح را می گذارم نامتناسب سازی او اضافه کرد، مدتهاست که درگیر موضوعی تحت عنوان متناسب سازی هستیم که این نشعت گرفته از شکافی است که بین هزینه و درآمد بازنشستگان اتفاق افتاده است اگر چنانچه افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی بر اساس ۹۶ و ۱۱ قانون تامین اجتماعی اتفاق می افتاد (البته ماده ۱۱۱ اتحاددوی اجراء شده) و ماده ۹۶ به درستی اجراء می شد ما امروز شاهد یک شکاف عمیقی بین درآمد و هزینه های زندگی بازنشستگان نبودیم که نیازی به متناسب سازی داشته .

دگماتیسم فکری حاکم بر اندیشه های دولت های نهم و دهم

از سال ۱۳۹۲ به دلیل نقصان و شکاف عمیقی که بین هزینه ها و درآمد بازنشستگان بوجود آمد که این امر نیز ناشی از دگماتیسم فکری، حاکم بر اندیشه های اقتصادی دولت بود (دولت نهم و دهم). در حوزه ی اقتصادی، ما نیمه دوم دهه هشتاد را باید، دوران اندیشه های درون گرا و ذوقی که دولت، دچار یک جویزدگی، نشات گرفته از درآمد های نفتی شده بود، بنامیم. این اندیشه های ذوقی و خود شیفتگی در دولت احمدی نژاد که متأسفانه خود را دولت حامی ارزشهای انقلاب و، ولایتی و مدافع مستضعفین معرفی می کرد شکل گرفت که واقعا ضربات هولناک و غیر قابل بارور، و جبران ناپذیری به اعتقاد و اقتصاد مردم وارد کرد، و، دورانی را که می توانست به بعثت و فور درآمدهای نفتی تبدیل به یک شکوفایی و جهش عظیم اقتصادی برای کشور شود و از نظر رشد و توسعه اقتصادی کشور را به نقطه بسیار مطلوب و غیر قابل برگشتی برساند و جدا سرنوشت اقتصادی کشور را به طرز شگفت انگیزی در جهت مثبت تغییر دهد و آنرا روی ریل پیشرفت اقتصادی غیر قابل برگشتی قرار دهد، ولی شوربختانه و در کمال ناپاوری و تأسف فراوان دولت احمدی نژاد بگونه ای بسیار غلط و کژ و نامناسب عمل کرد، که نهال اقتصادی که تازه داشت جان می گرفت و می رفت تا از نظر اقتصادی به نقطه خوب و قابل دفاعی برسیم، این سرزمین اقتصادی تازه شکوفا شده را تبدیل به یک جهنمی کرد که در تصور هیچ خیال محاسبه گری نمی گنجید.

آمارهای شگفت انگیز آقای وزیر سابق ! آقای محمد شریعتمداری که در دولت دوازدهم از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۳۹۷ یعنی آن وزیر صمت و از سال ۱۳۹۷ تا سال ۱۴۰۰ بعنوان وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی بود. آمار، تکان دهنده ای را در سالنامه همشهری در ارتباط با فروش و درآمدهای نفتی منتشر کرد که بر اساس این آمار ارزش دلاری درآمد حاصل از فروش نفت از ابتدای پیدایش و صادرات نفت تا پایان دور، دوم دولت آقاخانمی، کمتر از درآمد نفتی بود که در ۲ دوره دولت احمدی نژاد نصیب کشور شده بود. و در این آمارها اشاره کرده بود که معلوم نشد که ۸۰۰ میلیارد دلار فروش درآمد نفتی

حسن صادقی، معاون دبیر کل کارگر جمهوری اسلامی:

من اسم این را متناسب سازی نمی گذارم، این نامتناسب سازی است

سازمان تامین اجتماعی یک مجموعه مین گذاری شده است

ادامه از صفحه ۴

وسازمان تامین اجتماعی یک صندوق بین نسلی است و متعلق به آینده می باشد. دولت قبل یک تخلف عمد و آشکار در مقابل این تعهدات داشته است و تخلفش هم مثل روز روشن است در جزء ۲ بند (ر) ماده ۲۸ قانون برنامه هفتم توسعه به صراحت و با زبان فارسی آورده شده و اشاره شده است که اگر می خواهند غیر از این عمل کنند دقیقا باید مشخص کنند که از کجا باید این مبلغ پرداخت شود.

لایحه ارسالی به مجلس را چکش کاری کنید و اشتباهات فاحش آن را برطرف کنید و یا آن را پس بگیرید

نکته اساسی که وجود دارد این است که اگر بناست که این لایحه ۲ فوریتی را به تصویب مجلس برسانید حتما باید منابع را تعریف و مشخص کنید حتما باید جزء ۲ بند (ر) ماده ۲۸ و تبصره ماده ۲۹ را اصلاح کنید و اشتباهات قابل توجهی که در این خصوص وجود دارد را برطرف کنید و لایحه را چکش کاری کنید. آنچه که ما بر آن تاکید فراوان داریم این است که بعلت اینکه لایحه ارائه شده از سود دولت قبل بار مالی فوق العاده ای دارد که واقعا آینده سازمان را به جد به مخاطره می اندازد دولت فعلی این لایحه را از مجلس پس بگیرد (دولت) اقدام به استرداد لایحه نماید (و یا اگر اینکه استرداد آن از مجلس امکان پذیر نیست حتما مجلس مغایرت های فاحش آنرا بر طرف کند و واژه هایی که مبهم است و برای جامعه کارگری در دسر ایجاد میکند آنها را اصلاح و برطرف کند. مثلا یکی اینکه در این لایحه آورده شده که هر سال ۱۰٪ نظر ما این است که این برداشته شود و بصورت یکبار ۱۰٪ باشد دوم اینکه گفته شده برای سایر سطوح هم ۱۰٪ که این خلط مبحث میشود. در قانون کاملا مشخص شده است که سایر سطوح چگونه متناسب سازی شود.



تأمین اجتماعی رداشته باشند

بازنشستگان عزیز نباید دغدغه اجرای متناسب سازی را داشته باشند بلکه آنها باید دغدغه ناکارآمدی سازمان تامین را داشته باشند آنها باید نگران با مشکل مواجه شدن حقوقشان در آینده باشند. آنها آرامش روحی داشته باشند که بند به بند و نعل به نعل متناسب سازی انشا... اجرا خواهد شد. در ارتباط با حداقل بگیرها و زیرحداقل بگیرها هم به محض اینکه مجلس تصویب کند همین ۱۰٪ اجرا خواهد شد.

تاخیر در پرداخت حقوقها

در باره تاخیر در پرداخت حقوق ها که بوجود آمده است این نشات گرفته از سیاست هایی است که مدیرعامل فعلی سازمان (آقای موسوی) در پیش گرفته است و اینکه در طول ماههای مرداد و شهریور تعطیلات زیادی را داشتیم خود این هم کمک می کند به تاخیر در پرداخت حقوقها زیرا تعطیلات بر وصولی های سازمان تامین اجتماعی اثر می گذارد چون ۹۰٪ الی ۹۴٪ منابع

آنچه که در قانون تعریف شده مبلغ متناسب سازی برای سایر سطوح بستگی به این دارد که فرد بازنشسته در زمانیکه بازنشست شده است حقوقش چندبرابر حداقل دستمزد بود الان هم باید ۹۰٪ آن درصدی که از حداقل دستمزد بیشتر دریافت می کرده را دریافت کند بعنوان مثال اگر کسی در زمان بازنشستگی با حقوق یک میلیون تومان بازنشسته شده و در آن مقطع حداقل دستمزد ۵۰۰ هزار تومان بوده و او با حقوقی معادل دو برابر حداقل دستمزد بازنشست شده هم باید حقوقش ۹۰٪ دو برابر حداقل دستمزد فعلی باشد. جدا از اینکه اتفاق غیر قانونی که افتاده حب علی بوده یا بغض معاویه چون سفره حداقل بگیرهای ما را رنگین تر ساخته است موافق هستیم که تصویب شود اما با اصلاح و بر طرف کردن ابهامات عبارات . انشا... متناسب سازی قطعا اجرا خواهد شد . و مابه التفاوت آن از اول سال محاسبه و پرداخت خواهد شد.

بازنشستگان عزیز دغدغه ناکارآمدی سازمان

حایر گاز متان می باشد باید از ماشین آلات صنعتی و تکنولوژی روز استفاده شود ما باید اینطور تلقی کنیم که همواره حوادث بزرگی در کمین اینها قرار دارد برای این باید اول از متدها و روش های نو، تکنولوژی روز مثل رباط و نوار نقاله و... استفاده بکنیم همانطور که در کشور چین در معادن از رباطهای انسان نما و نوار نقاله و ماشین آلات پیشرفته برای کنده کاری معدن استفاده می کنند و در انتها و منطقه بسی خطر باقی مانده کار را نیروی انسانی انجام می دهد. این یکی از مشکلاتی است که در کشور ما وجود دارد و باید به آن رسیدگی شود. از طرفی هم ما

سازمان تامین اجتماعی از طریق حق بیمه هایی که پرداخت می گردد تامین می شود و کارفرمایان برای ارسال لیست بیمه خود از فرصت تعطیلات نهایت بهره برداری را می کنند و زمان بیشتری را برای پرداخت حق بیمه خود می خزند. و ما امید داریم که انشا... با تغییراتی که در حوزه مدیریت سازمان تامین اجتماعی پیش می آید شاهد تاخیر در پرداخت حقوقها نباشیم و پرداخت حقوقها به روز شود.

حادثه معدن طیس قلب ملت ما، را جریحه دار کرد

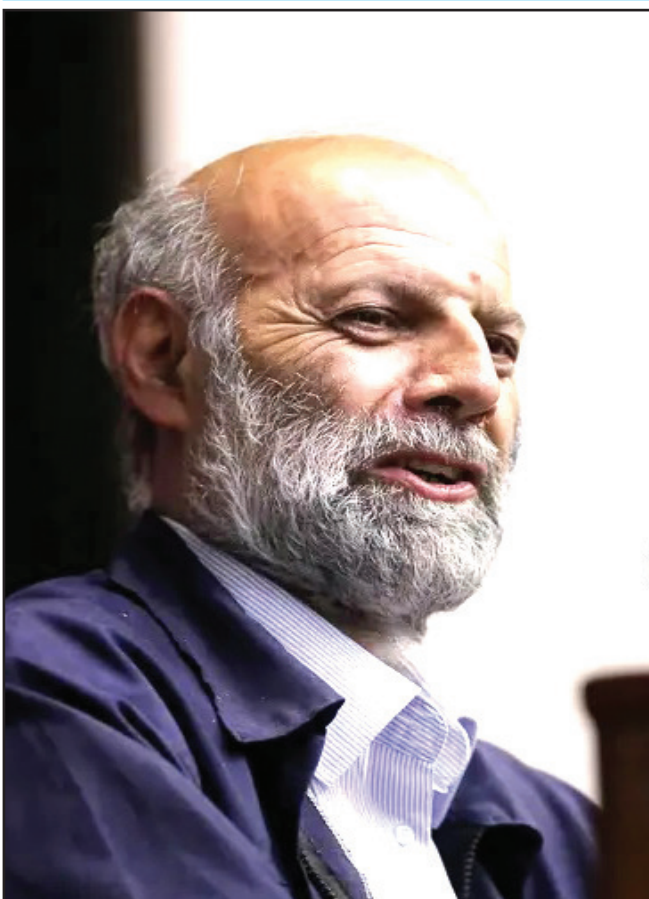
در رابطه با حادثه ای که در معدن طیس اتفاق افتاد گزارشات سازمان بین المللی کار نشان می دهد که سالانه قریب به سه میلیون نفر کارگر به دلیل حوادث و بیماریهای ناشی از کار جان خودشان را از دست می دهند این رقم در مقایسه با سال ۲۰۱۵ میلادی بیش از ۵٪ افزایش داشته است، سهم ایران هم از این تعداد مرگ و میر ۸۰۰ فوتی در سال بود که عدد بسیار چشم گیری است این گزارش نشان می دهد مرگ و میر مردان نسبت به زنان خیلی بیشتر است و مردان در معرض خطر بیشتری قرار دارند همچنین این گزارش نشان می دهد که منطقه اقیانوسیه و آسیا ۶۳٪ این مرگ و میر را به خودش اختصاص می دهد که آمار بالایی را نشان می دهد و این به دلیل وسعت نیروی کار در این منطقه می باشد. از شغل های پر خطر و حادثه آفرین یکی معدن است، به ویژه معدن ذغال سنگ که به دلیل ماهیت و شرایط کاری همواره جزء مشاغل پرخطرناک بوده. دومین شغل پرخطر مشاغل کارگران ساختمانی می باشد. باید برای اینها چاره ای اندیشیده شود اولاً باید مشاغل پرخطر، و حادثه آفرین را دسته بندی کنیم و برای آنها بازرسی چند لایه تعریف کنیم که این مشاغل مرتب مورد بازرسی و اراز یابی قرار گیرند. در تانی معادن ما چون

تعداد بازرسی کار تقسیم کنیم، هر بازرسی حدود ۳ سال و سه ماه طول می کشد تا یک کارگاه را بازرسی نماید. چاره چیست. اول باید تعداد بازرسی را افزایش دهیم و در درجه دوم صنایع خطر آفرین و حادثه ساز را دسته بندی کنیم و آنها را بطور مرتب و در ادوار مناسب مورد بازرسی قرار دهیم تا انشا... میزان اینگونه حوادث کاهش پیدا کند. ما باید از تکنولوژی روز نهایت بهره را ببریم و مانیتورینگمان و سیستم های هشدار دهنده مان به روز شود نکته مهم و آخر اینکه آموزش نیروی انسانی را به ویژه در معادن و صنایع پرخطر تحت نظر بگیریم و آن را به جد پیگیری کنیم در غیر این صورت اگر بخواهیم به روشهای سنتی و فعلی ادامه دهیم هر روز باید شاهد حوادثی از این دست باشیم. ما بایداز همه ظرفیتهای خود برای مهار اینگونه حوادث که متأسفانه آمار آن هم بالا است نهایت استفاده را ببریم چراکه متأسفانه کشور ما جزء ۱۵ کشور نخست ناشی از حوادث کار می باشد و این مسئولیت ما را خیلی سنگین می کند.

جناب آقای دکتر علیرضا محبوب دبیر کل محترم کارگر

انتخاب بجا و شایسته جنابعالی را که کوله باری از تجربه به عنوان رییس فراکسیون کارگری مجلس را در کارنامه خود دارید، به عضویت در هیات امنای سازمان تامین اجتماعی صمیمانه تبریک و تهنیت عرض نموده و امید فراوان می رود که در جهت پاسداشت منافع سازمان تامین اجتماعی که متعلق به نسل های آینده نیز می باشد پیوسته موفق باشید از درگاه خداوند متعال سلامتی و توفیق روز افزون را برای شما خواستاریم.

حسن صادقی رییس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، سردبیر و اعضای هیات تحریریه ماهنامه



لذت یا شادی؟ کدام بهتر است؟

✎نشر: گاهنامه‌مدیر

انتخاب بین لذت و شادی بستگی به نوع نگاه و ارزش‌های فردی دارد. لذت معمولاً احساسی لحظه‌ای و موقتی است که از انجام فعالیت‌ها یا تجربیات خاصی مثل خوردن یک غذای خوشمزه، خرید، یا دیدن فیلم مورد علاقه به دست می‌آید. این احساسات معمولاً کوتاه‌مدت هستند و ممکن است سریعاً از بین بروند.

شادی اما احساسی عمیق‌تر و پایدارتر است که از عواملی مثل روابط معنادار، دستاوردهای شخصی، و احساس رضایت از زندگی نشأت می‌گیرد. شادی بیشتر به یک حالت ذهنی و روحی مرتبط است و می‌تواند حتی در شرایط سخت هم دوام داشته باشد.

بنابراین، اگرچه لذت می‌تواند تجربه‌ای آنی و خوشایند باشد، شادی بیشتر به معنای زندگی هدفمند و پایدار مربوط است. از دیدگاه نوروساینس (علوم اعصاب)، لذت و شادی توسط مسیرهای مختلفی در مغز مدیریت می‌شوند، هرچند که برخی از این مسیرها همپوشانی دارند.

لذت در نوروساینس:

لذت عمدتاً با سیستم پاداش مغز مرتبط است. وقتی ما چیزی لذت‌بخش تجربه می‌کنیم، مغز دوپامین، یک نوع انتقال‌دهنده عصبی، آزاد می‌کند. دوپامین نقش کلیدی در ایجاد احساس

لذت دارد و مناطق خاصی مانند هسته آکومبین و نترال تگمنتال در این فرآیند فعال می‌شوند. این سیستم به رفتارهای پاداش‌دهنده و بقا مانند خوردن، روابط جنسی، و فعالیت‌های اجتماعی واکنش نشان می‌دهد.

شادی در نوروساینس:

شادی و احساس رضایت عمیق‌تر به شبکه‌های پیچیده‌تری در مغز مربوط می‌شوند. در اینجا، علاوه بر دوپامین، سروتونین (مرتبط با خلق و خور و رضایت بلندمدت)، اکسی‌توسین (مرتبط با پیوندهای اجتماعی و احساسات مثبت)، و اندورفین‌ها (مرتبط با کاهش استرس و افزایش احساس خوشبختی) نیز نقش دارند. شادی به ساختارهایی مثل قشر پیش‌پیشانی، آمیگدال، و هیپوکامپ مرتبط است که با فرآیندهای شناختی و عاطفی مانند خودآگاهی، کنترل احساسات و تنظیم خلق و خو در ارتباط‌اند.

تفاوت کلیدی:

در حالی که لذت بیشتر به تجربیات فوری و مقطعی وابسته است و می‌تواند به‌سرعت کاهش یابد، شادی پایدارتر است و نیاز به فعالیت‌های معنادار و تعاملات اجتماعی دارد. از این رو، شادی اغلب به سیستم‌های مغزی گسترده‌تری که تعادل شیمیایی و پایداری عاطفی را تنظیم می‌کنند، وابسته است. گاهنامه مدیر = گاهواره دانایی

با پراکندگی ذهنی چه کنیم؟

✎نشر: گاهنامه‌مدیر

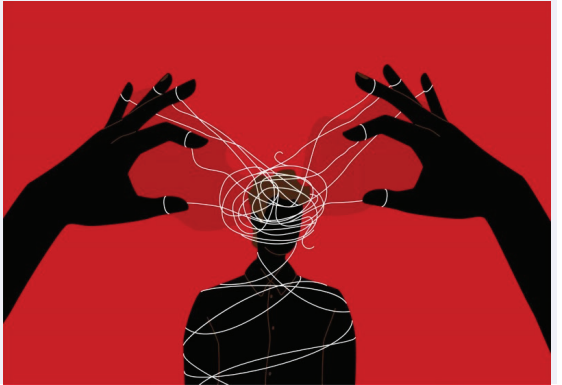
ما آدم‌ها هیچوقت راضی نمی‌شویم که فقط «یک‌کار» را انجام بدهیم. یعنی دل‌مان می‌خواهد هم‌زمان بدن را آرنولدلی کنیم و زبان کاتالونیایی یاد بگیریم و در همین حال هم دل‌مان بدجوری هوس پیتزا کرده است. تمایلات کنتور ندارند؛ هر کدام به صورت جداگانه تلاشش را می‌کند تا ما را به آن سمتی که خودش دوست دارد، هدایت کند.

نفرین ایده‌ی خفن!

تصور کنید الان ۲۰ سال پیش است و شما هم نبوغ گودزیلایی دارید و ایده‌ی استارت زدن گوگل، آمازون و فیسبوک به ذهن‌تان خطور کرده است. سه تا از بهترین ایده‌های کسب‌وکار

قرن در مُخ شما آماده‌ی بارگیری هستند و اگر هر کدامشان را کالبد بزیند به چنان ثروتی دست خواهید یافت که به ازایش در کل جهان، پول چاپ شده وجود ندارد. اما اگر تصمیم بگیرید که هر سه را با هم راه بیندازید به هیچ‌جا نخواهید رسید.

داشتن ایده‌های خفن کافی نیست. چیزی که زیاد است ایده‌ی خوفناک است. مشکل اینجاست که تجمع بیش از حد این ایده‌ها، مانع کسب است. به همین دلیل است که اگر هیئتی از آدم‌های باهوش را جمع کنیم و همه‌شان را در کالبد یک نفر بنپاییم، آن فرد را باید آدمی احمق نامید. پس نواعی چطور به چیزهای غیرممکن دست می‌یابند؟



اگر تعداد چیزهایی که نداریم زیاد باشد و بخواهیم یکجا به دنبال همه‌اش برویم، حتماً شکست خواهیم خورد. اما اگر دنبال این هستید که هر چه سریع‌تر به موفقیت برسید تمام انرژی‌تان را جمع کنید و فقط در یک مسیر راه بروید. هدف را بالا بگیرید. اگر اهداف‌تان خیلی سطحی و کم‌ارزش باشند، خیلی سریع اهداف دیگر

زنبره‌هایتان را در یک خط پرواز دهید. شاید قادر نباشید در آن واحد گوگل را خلق کنید، سرطان را درمان کنید و روی سیاره‌ی مریخ فرود بیابید، اما می‌توانید به صورت هم‌زمان مدیرکل و ورزشکار موفقی باشید. موفقیت و آمادگی جسمانی مکمل یکدیگرند. این دو تا را مثل دو زنبرور در نظر بگیرید که در یک جهت بال می‌زنند و به هم که برسند قوی‌تر می‌شوند. گاهنامه مدیر = گاهواره دانایی

چه تفکرات اشتباهی باعث می‌شه حالمون خراب شه؟

من مقصر بودم.

سرزش‌گری

دیگران را علت مشکلات و احساسات منفی خود می‌دانید و از طرفی مسئولیت تغییر رفتارتان را نیز فراموش می‌کنید. مثل: “دیگران باعث عصبانیت من می‌شوند،” یا “والدینم باعث و بانی همه مشکلات من هستند.”

مقایسه‌های ناعادلانه

حوادث را طبق معیارهای ناعادلانه تفسیر می‌کنید. خودتان را با کسانی مقایسه می‌کنید که از شما برترند و به این نتیجه می‌رسید که آدم حقیری هستید. مثل: “او خیلی موفق‌تر از من است” یا “شاگرد اول کلاس در امتحان خیلی بهتر از من عمل کرد.”

تاسف‌گرایی

(کشکول‌ای کاش)

به جای این که در حال حاضر به کاری فکر کنید که از دستتان بر می‌آید، بیشتر به این مسئله می‌اندیشید که ای کاش در گذشته بهتر عمل می‌کردید. مثل: “اگر تلاش کرده بودم، شغل بهتری پیدا می‌کردم” یا “ای کاش این حرف را نمی‌زدم.”

چی می‌شد!

دائم از خودتان سوال می‌کنید چی می‌شود اگر چنین اتفاقی بیفتد و با هیچ جوابی راضی نمی‌شوید. مثل: “حرف شما درست است، اما چی می‌شود اگر مضطرب شوم؟” یا “چی می‌شود اگر نفسم در سینه حبس شود؟”

استدلال هیجانی

از احساسات خود برای تفسیر و واقعیت استفاده می‌کنید. مثل: “چون دلم شور می‌زند، پس اتفاق ناگواری می‌افتد.”

نادیده‌انگاری شواهد متناقض

شواهد یا استدلال‌های ناهمخوان با تفکر خود را رد می‌کنید. مثل: “هیچ‌کس مرا دوست ندارد.” هر‌گونه شواهد متناقض را نادیده می‌گیرید و در نتیجه فکرتان همیشه تایید می‌شود.

قضاوت‌گرایی

به جای این که خودتان، دیگران و حوادث پیرامون را بپذیرید و درک کنید، اغلب آن‌ها را در قالب ارزیابی‌های سیاه و سفید می‌نگرید.

دائم خودتان و دیگران را طبق یکسری معیارهای دل‌خواهی، ارزیابی می‌کنید و متوجه می‌شوید که خودتان و دیگران پایین‌تر از آن حدی هستید که باید باشید. مثل: “در دوران دانشگاه خوب عمل نکردم” یا “اگر تینیس بازی کنتم، از پس آن بر نمی‌آیم” یا “سارا چقدر موفق است، ولی من اصلاً موفق نیستم.”

گاهنامه مدیر = گاهواره

اول مهر، روز اول خلقت است!

دکتر محسن رزائی

✎نشر: گاهنامه‌مدیر

اول مهر برای من از وقتی مطالعاتم را به سوی «کودکی و توسعه» برده‌ام، دیگر اول مهر، اول مهر نیست، اول خلقت است. همه چیز از اول مهر آغاز می‌شود. سرنوشت یک ملت، اقتدار یک ملت، رفاه یک ملت، دین یک ملت، دموکراسی یک ملت، آزادی یک ملت و عدالت یک ملت، از اول مهر آغاز می‌شود. همان‌گونه که در طبیعت زمین، همه چیز از مهر آسمان شروع می‌شود و بدون خورشید، طبیعت زمین عقیم خواهد ماند، در جامعه انسانی نیز همه چیز از مهر شروع می‌شود. ماه مهر آغاز کشت‌وکار در مزرعه‌ی وجودکودکانی است که اگر در دلشان مهر بکاریم، سرنوشت‌مان مهر آگین می‌شود

فردا رئیس‌جمهور به مدرسه می‌رود و زنگ اول مهر را می‌زند. اما نه رئیس‌جمهور می‌داند و نه دیگر یارانش، و نه دیگرانی

که خود را متولیان این دبار می‌دانند که مدرسه‌ها مان زنگ زده است، که کتاب‌ها مان زنگ زده است، که معلم‌ها مان زنگ زده‌اند، که مغزها مان زنگ زده است، و این روزها از دل‌های ما نیز بوی زنگ زدگی می‌آید. چه حکایتی است! رئیس‌جمهوری که بیشتر اعضای هیات دولتش زنگ زده‌اند، باید زنگ اول مهر را بزند. ما نسل آدم‌های زنگ‌زده‌ای هستیم که می‌خواهیم کودکانی را که جنسشان از طلاست، صیقل دهیم و پرداخت کنیم.

از فردا ۱۳ میلیون زندانی از صبح به صبح راهی زندان‌های زنگ زده می‌کنیم و به دست زندانبان‌های زنگ زده می‌سپاریم. فقط اقتصاد ما نیست که در مانده‌ی سیاستمداران زنگ زده شده است، کودکان ما نیز زندانی زنگ زدگی‌های ما شده‌اند. نظام آموزشی ما یک نظام مکانیکی فرسوده و زنگ زده است که هی پیچ و مهره‌هایش را روغن می‌زنیم بلکه چند گام دیگر دوام بیاورد. آن هم در عصری که نظام‌های آموزشی ارگانیک به پایان خود می‌رسند و عصر نظام‌های آموزشی کاتالیک فرارسیده است.

وقتی برای وزیر پیشین آموزش و پرورش توضیح دادم که چرا می‌گویم عقب‌ماندگی ما ریشه در نظام آموزشی ما دارد و برایش گفتم که چگونه پدر توسعه در مدرسه کاشته می‌شود و اکنون با این شیوه‌های آموزشی، اگر بذری هم در درون کودکان باشد می‌خشکانیم؛ گفتم این‌ها حرف‌های مهمی است که باید همه وزرا بشنوند. اما بیچاره هر چه تلاش کرد نشد که این بحث را به هیات دولت ببرد. و بعدها پیام داد که الان دغدغه دولت، آموزش

نیست. راست هم می‌گفت دولت الان باید نیمی از انرژی خود را صرف تامین حقوق آخر ماه کارمندان و بازنشستگان و پرداخت یارانه‌ها کند و بقیه انرژی‌اش را هم صرف مراقبت از لنگ پاهایی بکند که برایش می‌بنندند، پس دیگر نوبت به نگرانی نسبت به آموزش و پرورش نمی‌رسد.

ای معلم‌های عزیز، ما می‌دانیم که شما در این زنگ زدگی بی‌تقصیرید. شما هم در دام یک نظام تدبیر زنگ زده گرفتار شدید و زنگ زدید، اما شما مراقب کودکان ما باشید مبادا آنان زنگ بزنند. باور کنید مشق شب شیوه‌ای زنگ زده است، باور کنید املا مغز کودکان ما را زنگ زده می‌کند، باور کنید ارزیابی کودکان بر اساس نمره، سسی است که شخصیت کودکان ما را زنگ نمی‌زند بلکه متلاشی می‌کند، باور کنید رقابت‌هایی که بر سر نمره ایجاد می‌کنید از ترش‌های جنگی مخرب‌تر است. لطف کنید دیگر به کودکان ما درس ندهید. ما چهل سال است بخش اعظم جوانانمان را درس دادیم و به دانشگاه فرستادیم، اما همه چیز بدتر شد. تصادفات رانندگی مان بیشتر شد، ضایعات نان‌مان بیشتر شد، آلودگی هوای مان بیشتر شد، شکاف طبقاتی مان بیشتر شد، پرونده‌های دادگستری‌مان بیشتر شد، تعداد زندانیان مان بیشتر شد و مهاجرت نخبگان مان بیشتر شد. پس دیگر دست از درس دادن بردارید.

آموزش کودکان ما ساده است. ما دیگر به دانشمند نیازی نداریم. ما اکنون دچار کمبود مفرط آدم‌های توانمند هستیم. پس لطفاً به کودکان ما فقط زدگی کردن را یاد بدهید. به آن‌ها گفت‌وگو کردن را، تخیل را، خلاقیت را، مدارا را، صبر را، گذشت را، دوستی با طبیعت را، دوست داشتن حیوان را، لذت بردن از برگ درخت را، دویدن و بازی کردن را، رقصیدن و شاد بودن را، از موسیقی لذت بردن را، از آواز خواندن را، بویدن گل را، سکوت کردن را، شنیدن و گوش دادن را، اعتماد کردن را، دوست داشتن را، راست گفتن را و راست‌سودن را بیاموزید. باور کنید اگر بچه‌های ما ندانند که فلان سلسله پادشاهی کی آمد و کی رفت، و ندانند که حاصل ضرب ۱۱۴ در ۱۱۴ چه می‌شود، و ندانند که با پای چپ وارد دستشویی شوند یا با پای راست، هیچ چیزی از خلقت کام نمی‌شود؛ اما اگر آن‌ها زدگی کردن را و عشق ورزیدن را و عزت نفس را و تاب آوری را تمرین نکنند، زندگی‌شان خالی خالی خواهد بود و بعد برای پر کردن جای این خالی، خیلی به خودشان و دیگران و طبیعت خسارت خواهند زد.

انتقاد از پیشنهاد افزایش سنوات ارفاقی شغل معدن به جای استاندارد سازی محیط کاری



ساخت و زیان آور در سال ۱۳۸۰ به تصویب رسید و در آن مقرر شد کارگاههای سخت و زیان آور حداکثر ظرف دو سال نسبت به حذف عوامل زیان آوری اقدام نمایند و وزارتخانه های صمت و بهداشت و تکاور مکلف شدند که بر این امر نظارت کنند و ابزارهای قانونی نظیر عدم صدور و لغو پروانه فعالیت، عدم بهداشت گواهی بهداشت صنعتی و بهداشت محیط و... در اختیار این دستگاههای اجرایی قرار دارد.

شوریهخانه و متاسفانه، علیرغم گذشت ۲۳ سال از تصویب قانون مزبور هیچ اقدام جدی و موثری در زمینه تحقق این حکم قانونی برداشته نشده است و بروز حوادث متواتر و پربسامد در کارگاهها طی دو دهه اخیر گواهی بر این مدعا است.

حادثه معدن در شب اتفاق افتاده است و مشخص نیست آیا کارگران جان باخته در حادثه مزبور در حال انجام کاری بوده اند یا در حال شیفت دریافتی آنها بابت چند ساعت کار در روز بوده است.

دکتر علی حیدری کارشناس رفاه و تامین اجتماعی در یادداشتی اعلام کرد: اگر عدم تعطیلی کارگاههای زیان آور و عدم سالم سازی و استاندارد سازی محیط های کاری باعث شود که نیروی کار برای ساعات زیادی طی ایام کاری در معرض عوامل زیان آور نظیر سرب، مس، رادیو اکتیو و گاز متان و... قرار گیرند و خدای ناکرده دچار بیماریها و عارضه های شغلی و پسا شغلی شده و یا خدای ناکرده در اثر حادثه فوت نمایند، افزایش سنوات ارفاقی چه کمکی به آنها می نماید؟

به گزارش ایلنا، در متن این یادداشت آمده است: کوریر تفتیده کار شایسته نماینده مردم طبرستان در مجلس شورای اسلامی پس از وقوع حادثه تلخ انفجار معدن زغالسنگ معدن جو متعلق به بخش خصوصی (واگذاری در فرایند خصوصی سازی) که منجر به درگذشت تعداد زیادی از کارگران معدن مزبور گردیده است. تقاضای عجیبی را از نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح ساخته است مبنی بر افزایش سنوات ارفاقی شغل معدن وی در مصاحبه خود مطرح ساخته است که: «همچنین

لزوم تهیه پیوست «عدالت» برای تصمیمات حوزه بیمه و تامین اجتماعی

ریسه کارگروه رفاه و تامین اجتماعی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام با تاکید بر لزوم تهیه پیوست عدالت برای تصمیمات و اقدامات در حوزه بیمه و تامین اجتماعی، گفت: در صورتی که نظام بیمه و حمایت به درستی مدیریت شوند، اثرات منفی ناشی از اقدامات صورت گرفته در قلمروهای اقتصادی، اجتماعی و... بر حوزه های معیشت و کیفیت زندگی جبران خواهد شد.

دکتر علی حیدری ضمن اشاره به انفعال و کنش ناپذیری نظام بیمه و تامین اجتماعی طی دهه های گذشته، اظهار کرد: یکی از مشکلاتی که از دیرباز تاقون وجود داشته، این است که نظام بیمه و تامین اجتماعی در چند دهه گذشته منفعل بوده و همین امر موجب تداوم فعالیت موتورهای تولید فقر و آسیب اجتماعی شد. در صورتی که نظام بیمه و حمایت به درستی مدیریت شوند،

دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام با تاکید بر اینکه پیوست عدالت در مسائل مربوط به بیمه و تامین اجتماعی، نقش بازدارندگی و نظارتی دارد، گفت: عدالت یکی از شعارهای مردم طی چهار دهه گذشته بوده و این مفهوم مترقی در اصول متعدد قانون اساسی تبلور یافته است.

اثرات منفی ناشی از اقدامات صورت گرفته در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و... بر معیشت و کیفیت زندگی مردم به ویژه اقشار ضعیف جامعه، جبران خواهد شد. وی با اشاره به موضوع پیوست عدالت در نظام بیمه و تامین اجتماعی، ادامه داد: اگر پیوست عدالت در جامعه اجرا شود، پیش از اجرای هرگونه اقدام و تصمیم اقتصادی، اجتماعی و... در ابتدا اثرات آن بر معیشت و کیفیت زندگی افراد به ویژه اقشار ضعیف جامعه سنجیده می شود؛ در صورتی که اثرات آن زیانهای جبران ناپذیری در پی داشته باشد، آن طرحها نباید اجرا شود و اگر اثرات آن طرحها قابلیت جبران داشته باشند، راهکارهای جبرانی و ترمیمی و صیانتی از کیفیت زندگی افراد در طرح مورد توجه قرار گرفته و به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

رئیس کارگروه رفاه و تامین اجتماعی حسن صادقی به عنوان مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی حکایت از درک کامل وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی از اهمیت وظایف و مشکلات این سازمان در حال حاضر و آینده دارد. دکتر سالاری که سابقه مدیریت این سازمان را در کارنامه خود دارد، مورد وثوق و قبول قاطبه پرسنل سازمان، تشکل های کارگری و کارفرمایی می باشد. عملکرد وی نشان می دهد که اگر مؤلفه های انجام کارهای بزرگ و بنیادین آماده باشد، وی می تواند برخی از برنامه های بلندمدت به زمین مانده سازمان را که اجرایی نمودن آن، هم می تواند تعادل منابع و مصارف سازمان را در بلند مدت تا حدودی تضمین کند و هم رضایتمندی جامعه مخاطب را به لحاظ کمی و کیفی در پی داشته باشد را انجام دهد.



حسن صادقی معاون دبیر کل خانه کارگرو رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری انتصاب مصطفی سالاری به عنوان مدیرعامل جدید تامین اجتماعی را تبریک گفت.

انتصاب آقای دکتر سالاری به عنوان مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی حکایت از درک کامل وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی از اهمیت وظایف و مشکلات این سازمان در حال حاضر و آینده دارد. دکتر سالاری که سابقه مدیریت این سازمان را در کارنامه خود دارد، مورد وثوق و قبول قاطبه پرسنل سازمان، تشکل های کارگری و کارفرمایی می باشد. عملکرد وی نشان می دهد که اگر مؤلفه های انجام کارهای بزرگ و بنیادین آماده باشد، وی می تواند برخی از برنامه های بلندمدت به زمین مانده سازمان را که اجرایی نمودن آن، هم می تواند تعادل منابع و مصارف سازمان را در بلند مدت تا حدودی تضمین کند و هم رضایتمندی جامعه مخاطب را به لحاظ کمی و کیفی در پی داشته باشد را انجام دهد.

از این جهت همانطور که در مراسم معارفه، ایشان به خوبی به کمک مجلس و دولت محترم در خصوص همکاری با سازمان تامین اجتماعی در انجام اقدامات و برنامه های پیش رو اشاره کردند، ما هم به عنوان بخشی از خدمت گیرندگان، امیدواریم این همکاری شکل بگیرد. اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری ضمن تبریک به آقای دکتر سالاری در خصوص پذیرش مسئولیت اداره سازمان تامین اجتماعی و آرزوی موفقیت برای ایشان، آمادگی خود را برای هرگونه همکاری اعلام می کنیم.

همچنین مراتب قدردانی خود را از آقای دکتر میرهائیم موسوی در طی مدیریت چندساله ایشان که با وجود مشکلات فراوان تا این لحظه تعهدات سازمان را نسبت به بیمه شدگان و مستمری بگیران به انجام رساندند، اعلام و برای ایشان آرزوی سلامتی و موفقیت در سایر مسئولیت هایی که عهده دار خواهند بود را می نمایم.

حسن صادقی - رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری





**مراسم ختم و یاد بود معدن جویان جانباخته در حادثه معدن طبس
 با حضور آقای دکتر علیرضا محبوب دبیر کل محترم خانه کارگر
 و تنی چند از بزرگان و کارگران برگزار شد.**

**نشریه اتحادیه پیشکسوتان، مصیبت وارده را به پیشگاه ملت بزرگ ایران و خانواده
 داغدار این عزیزان تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای جان باختگان
 غفران و رحمت و برای بازماندگان طول عمر با عزت همراه با صبر را خواستار است**